

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الا اخبركم بخير اخلاق الدنيا و آلاخره قالوا بلى، قال: افشاء السلام فى العالم

رسول خدا فرمود: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه نکنم؟ گفتند: بلى

فرمود: بر شما باد به طنین اندازی سلام و سلامت در سطح جهانی

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶۲.



نهضت جهانی سلامت اجتماعى و سبک زندگی سالم

صادق سهرابى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُخَوِّضُ الْغَوَّاصِينَ
الَّذِي يُصَوِّرُ الْبَشَرَ
أَكْبَرُ الْعِزَّةِ الْمَبْتُومِ
تَبَارَكَ الَّذِي فِي يَدَيْهِ
مُخْتَصِرُ الْغَيْبِ
وَالَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
تُحْمَلُهُ السَّحَابُ
وَيُسْقِي السَّمَاءَ
مِائِدًا مَّاءً بَارِقًا
وَالَّذِي يُمْسِكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
أَنْ تَزُولَا
إِنَّ رَبَّهُنَّ الْعَزِيزُ
الْمُنْتَهَىٰ

۵	پیش درآمد
۵	نهیضت سلامت اجتماعی؛ راهبرد وگفتمان جهانی نبوی
۶	سلامت فطری و رابطه آن با هدایت
۸	تأکید اسلام بر ایجاد و حفظ سلامت اجتماعی
۹	مفهوم صراط مستقیم ونحوه رسیدن به آن
۱۰	باز تعریف سلامت اجتماعی
۱۰	قلمرو سلامت اجتماعی
۱۰	حوزه های سلامت اجتماعی
۱۱	سلامت خواهی از حقوق اجتماعی
۱۱	عوامل سلامت آفرین / مکانیزم ملی و عزم ملی
۱۲	جامعه شیعه یک جامعه سالم
۱۳	آثار مرتب و پیوسته سلامت اجتماعی
۱۳	میزان تأثیر سلامت در ولایت مداری
۱۵	دعوت دین به نهیضت جهانی سلامت اجتماعی
۱۶	تقابل شیطان با نهیضت جهانی سلامت اجتماعی
۱۷	مرض قلبی کانون جنگ نرم
۱۹	رابطه فسق (عدم سلامت) با کفر و عدم ایمان
۱۹	فرایند ناسالم سازی جامعه توسط شیاطین
۱۹	نمونه تاریخی ناسالم سازی شیطان
۲۰	راهبرد کلیدی برای مقابله با شیطان
۲۲	سلامت اجتماعی ومهدویت
۲۲	مدل استراتژیک سلامت اجتماعی
۲۳	جمع بندی

۲۳ بیان نظریه راهبردی «سلامت اجتماعی زبان متفاهم اجتماعی»
۲۳ نظام فرهنگ سازی سلامت ورزی
۲۴ نظام اجرایی سلامت اجتماعی
۲۶ پیوستها
۲۶ الف) آیات سلامت
۲۶ ب) روایات سلامت
۲۷ منابع و مآخذ

برای تحوّل فرهنگی در جامعه نیازمند محملی فعال و اثر گذار هستیم که در سایه آن بتوانیم فرهنگ جامعه و سبک زندگی جامعه را دگرگون سازیم. در واقع محمل تحوّل آفرین به مثابه گفتمان تحوّل فرهنگی یک جامعه، نقش آفرینی می نماید. زیرا آن محمل قابلیت فروردن مردم را در خود دارد و می تواند مسأله ودغدغه آنان باشد به گونه ای که مردم بتوانند به آسانی با آن ارتباط برقرار کنند. همچنان که امیرالمؤمنین علی فرمود:

خوض الناس فی الشیء مقدمة الكائن^۱

فرورفتن فکر مردم در هر چیزی مقدمه وزمینه تحقق آن است.

از این رو رصد کردن محمل کارآمد و اثربخشی که از چنین کارکردی برخوردار باشد ضروری می نماید. به نظر می رسد تنها محملی که از چنین قابلیت فراشمول برخوردار است «سلامت اجتماعی» است. زبان سلامت اجتماعی زبان فطری و متفاهم جامعه بشری است که می تواند سبک زندگی سالم را برای جامعه به ارمغان آورد و با زبان غریزی و هوس آلود جامعه بشری به هماوردی پیروزمندانه بپردازد و فرهنگ سبک زندگی سالم و رحمانی را بر فرهنگ سبک زندگی ناسالم و شیطانی غلبه دهد.

زبان سلامت اجتماعی زبان فطری و متفاهم جامعه بشری است که سبک زندگی سالم را برای جامعه به ارمغان میآورد.

نهضت سلامت اجتماعی؛ راهبرد و گفتمان جهانی نبوی

سلامت لوگوی دعوت نامه نبوی به سران جهان بوده است. : (هرقل شاه روم، کسری شاه ایران، مقوقس شاه مصر، هرمزان فرماندار کسری و...). متن مشترک موجود در دعوت ها و نامه های حضرت به سران جهان و سران قبائل عرب این چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ... سلام علی من اتبع الهدی. أما بعد فإني أدعوك بدعاية الإسلام أَسْلِمُ تَسْلِمُ،
أَسْلِمُ...^۲

^۱ غررالحکم، ۱۱۰۴۲.

^۲ بحار، ج ۲۰، ص ۳۸۶.

سلامت فطری و رابطه آن با هدایت

ممکن است برخی در تقدّم سلامت بر هدایت ایراد وارد کرده و سلامت را در گرو هدایت بدانند نه بالعکس. در جواب ایشان باید گفت که هر دو سوی این معادله صحیح است و هم سلامت در گرو هدایت است و هم هدایت در گرو سلامت چرا که هدایت و سلامت هر دو ذو مراتبند. مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه دوّم سوره بقره در توضیح مراتب هدایت و مبتنی بودن برخی از مراتب آن به سلامت فطری چنین می فرماید:

متقین میان دو هدایت واقعند، همچنانکه کفار و منافقین میانه دو ضلالت قرار گرفته اند، و هر سه طبقه از دو خصیصه خود، یکی را یعنی اولی را خود شان داشته اند، و دومی را خداوند بعنوان جزا بر اولی شان اضافه کرده است. و چون هدایت دومی متقین بوسیله قرآن صورت می گیرد، معلوم میشود هدایت اولی قبل از قرآن بوده، و علت آن سلامت فطرت بوده است (و اما اینکه چرا بعضی فطرتشان سالم است، و بعضی نا سالم، و آیا علت تامه آن وراثت و خوبی و بدی پدر و مادر و شیر و امثال آنها است، و یا علت تامه اش خود انسان است؟ در پاسخ میگوئیم هیچیک از اینها علت تامه نیست، ولی همه آنها بمقدار اقتضاء اثر دارد. مترجم). این وجدانی همه ما است که اگر فطرت کسی سالم باشد، ممکن نیست که باین حقیقت اعتراف نکند، که من موجود محتاجم، و احتیاجم بچیزی است که خارج از ذات خودم است، و همچنین غیر من تمامی موجودات، و آنچه که بتصور و وهم یا عقل درآید، محتاج بامری هستند خارج از ذاتشان، و آن امر و آن چیز، امری است که سلسله همه حوائج بدو منتهی میشود.

حقایقی که شخص سلیم الفطره به آنها ایمان می آورد پس شخص صیحه سلامت فطرت داشته باشد خواه ناخواه ایمان به موجودی غایب از حس خودش دارد: موجودیکه هستی خودش و هستی همه عالم، مستند بآن موجود است.

شخص سلیم الفطره بعد از آنکه بچنین موجودی غیبی ایمان آورد، و اعتراف کرد، فکر می کند که این مبداء که حتی دقیقه ای از دقائق از حوائج موجودات غافل نمیماند، و برای هر موجودی آنچنان سرپرستی دارد که گوئی غیر از آن دیگر مخلوقی ندارد، چگونه ممکن است از هدایت بندگانش غافل بماند، و راه نجات از اعمال مهلک، و اخلاق مهلک را بآنان ننماید؟ همین سؤالی که از خود می کند، و سؤالات دیگری که از آن زائیده میشود سر از مسئله توحید و نبوت و معاد در می آورد، و در نتیجه خود را ملزم میدانند که در برابر آن مبداء یکتا خضوع کند چون خالق و رب او و رب همه عالم است، و نیز خود را ملزم میدانند که در جستجوی هدایت او برآید، و وقتی بهدایت او رسید، آنچه در وسع او هست از مال و جاه و علم و فضیلت همه را در راه احیاء آن هدایت و نشر آن دین بکار بندد، و این همان نماز و انفاق است، اما نه نماز و زکاة قرآن، چون گفتار ما درباره شخص سلیم الفطره ای است که اینها را در فطرت خود می یابد، بلکه نماز و زکاتیکه فطرتش بگردنش می اندازد، و او هم از فطرتش می پذیرد.

از اینجا معلوم شد که این پنج صفتی که خدایتعالی آنها را زمینه هدایت قرآنی خود قرار داده، صفاتی است که فطرت سالم در آدمی ایجاد می کند، و در آیات مورد بحث بدارندگان چنین فطرتی وعده میدهد که بزودی بوسیله قرآنش ایشانرا هدایت می کند، البته هدایتی زائد بر هدایت فطرتشان، پس اعمال پنج گانه نامبرده، متوسط میان دو هدایتند، هدایتی سابق بر آن اعمال، و هدایتی لاحق بآنها، و اعتقاد صادق و اعمال صالح میان دو هدایت واسطه اند، بطوریکه اگر بعد از هدایت فطرت، آن اعتقاد و آن اعمال نباشد، هدایت دومی دست نمی دهد.

دلیل بر اینکه هدایت دومی از ناحیه خدای سبحان، و فرع هدایت اولی است، آیات بسیاری است که چند آیه از آنها ذیلا از نظر خواننده می گذرد: (یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت، فی الحیوه الدنیا و فی الآخرة)، (خدا کسانی را که ایمان آوردند، به قول ثابت در حیاة دنیا و در آخرت پا بر جا می کند، و خلاصه آنچه نشانرا آنچه نشان تر میسازد)، پس معلوم میشود بقول معروف چشمه باید از خودش آب داشته باشد، تا با لایه رویی زیادترش کرد (مترجم) (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله، و آمنوا برسوله، یوتکم کفلین من رحمته، و یجعل لکم نورا تمشون به)، (ای کسانی که ایمان آورده اید. از خدا بترسید، و برسول او ایمان بیاورید، تا خدا از رحمتش دو برابر بشما بدهد، و برایتان نوری قرار دهد، تا با آن نور مشی کنید) فراموش نشود که فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید، ایمان بیاورید، معلوم می شود ایمان اولی فطری است، و ایمان دومی برسول و بکتاب او است. مترجم. ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم، اگر خدا را یاری کنید، خدا یاریتان می کند، و ایمانتان را قوی می سازد)، معلوم می شود یاری کردن دین خدا که همان هدایت اولی است سبب می شود ثبات قدم را، که خود هدایت دومی و زائد بر اولی است).

(و الله لا یهدی القوم الفاسقین)، (خدا مردم تبهکار را هدایت نمی کند)، پس معلوم میشود انحراف از هدایت اولی، که همان تبه کاری باشد، باعث محرومیت از هدایت خدا می گردد، و از این قبیل آیاتی دیگر. و مسئله ضلالت کفار و منافقین، عینا مانند هدایت متقین، دارای دو مرحله است، یکی از ناحیه خود مردم، و یکی بعنوان مجازات از ناحیه خدا، که انشاء الله بزودی بیانش خواهد آمد. و در آیات مورد بحث بحیاه دیگری اشاره شده، که انسانها در آن حیاة زندگی را از سر می گیرند، حیاتی است که فعلا پنهان است، و نسبت بحیاه دنیا جنبه باطن را دارد نسبت بظاهر، حیاتی است که زندگی انسان بوسیله آن حیاة در همین دنیا و بعد از مردن و در بعث و قیامت یکسره می شود، و در بین، مرگی، و انعدامی فاصله نمی گردد، همچنانکه فرمود: (او من کان میتا فاحییناه، و جعلنا له نورا، یمشی به فی الناس، کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها؟) (آیا کسی که مرده و بی جان بود، او را زنده کردیم، و برایش نوری قرار دادیم، تا با آن در میانه مردم آمد و شد کرد، مثل کسی است که در ظلمتها قرار دارد، و بیرون شدنی برایش نیست؟)

^۱ ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، صص ۷۰-۷۲ و تفسیر تسنیم، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۷. و صفایی حائری، علی، چهل حدیث از امام حسین ص ۱۹۲-۱۹۳ و

دین اسلام به سلامت اجتماعی و سلامت ورزی در حوزه اجتماع توجه ویژه دارد و اساساً مفهوم اسلام همان سلامت است. قرآن کریم به صراحت هدایت را تابع سلامت دانسته و میفرماید:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۶) مائده

اگر مؤمنان بدنبال جلب رضایت خداوند باشند خداوند با کتاب مبین آنها را به سبیل السلام هدایت میکند. و وقتی راههای سلامت را پیدا کردند از ظلماتها بسوی نور رهنمون میشوند و به صراط مستقیم می رسند.

اولاً آیه تعبیر به سبیل که جمع است کرده و نه به سبیل که مفرد است و همین بیانگر آن است که نهضت سلامت اجتماعی شامل همه ساحت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را شامل می شود. و ثانیاً آیه بیانگر آن است که انسان با پای سالم میتواند از ظلماتها خارج شود و بسوی نور بیاید. کسیکه پای سالم نداشته باشد و از حوزه های سلامت بی بهره باشد نمیتواند این ظلمات ها را درنوردد و بسوی نور حرکت نماید. فرد سالم و جامعه سالم است که میتواند خودش را از ظلمت های مختلف خارج نماید و بسمت نور حرکت نماید و بعد از این است که مرحله سوم شکل میگیرد یعنی خداوند او را هدایت میکند به سمت صراط مستقیم .

عن امیر المؤمنین علی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمٌ سَلَامَةٌ، وَجَمَاعٌ كَرَامَةٌ. نهج البلاغه، خ ۱۵۲.

همانا خدای والا شما را به اسلام اختصاص داده و برای اسلام برگزید چرا که اسلام، نامی از سلامت و فراهم کننده کرامت جامعه است. مرحوم علامه شوشتری صاحب قاموس الرجال در شرح نهج البلاغه و در ذیل همین فقره از خطبه شریفه، کلمه السلم موجود در آیه «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه» را نیز به معنی سلامت گرفته است. بنابر این از نظر ایشان، سلم، اسلام و سلامت هر سه یک مفهوم را تداعی می کنند.^۱

بنا به تعبیر امام، اسلام، سلامت آفرینی دارد و میتواند کانون کرامت بخشی باشد. و اساساً اسلام فرد فرد مسلمانان، در گرو سلامت اجتماعی است همچنان که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

المسلم من سلم الناس من لسانه و یده؛^۲

مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند.

^۱ «و ذلك لانه اسم سلامه» [ومن هذا القبيل] یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه . تستری، نهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۴.

^۲ اصول کافی، جلد ۲، باب المؤمن و علاماته و صفاته.

اسلام سبک زندگی سالم است و در سایه سار فرهنگ اسلامی است که می توانیم به فرهنگ و سبک زندگی سالم دست بیابیم. بنابر این تنها فرهنگ اسلام است که می تواند سلامت ورزی خردمندان را در ساحت های گوناگون زندگی بشر به نمایش گذارد. امیر مؤمنان علی ۷ فرمود:

اسلم تسلماً^۱

اسلام بیاور تا سالم باشی

امیر المؤمنین علی علیه السلام در بیان جامع و زیبایی عقل ورزی و نفس کشی را باعث نورانی شدن مسیر زندگی و بار یابی به سبکی از زندگی می داند که انسان را به دروازه سلامت و بهشت الهی رهنمون می شود. و همین سلوک و سبک زندگی سالم باعث آرامش و امنیت انسان می شود. آنجا که می فرماید:

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ، وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرُ الْبَرَقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ، وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَ تَدَاقَعَتْهُ الْأَبْوَابُ إِي لِي بَابِ السَّلَامَةِ، وَ دَارِ الْإِقَامَةِ، وَ ثَبَّتَ رِجْلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنَهُ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبَهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ.^۲

خردش را زنده گردانید و نفسش را میرانید. تا پیکر سببر او لاغر شد و دل سختش به لطافت گرایید. فروغی سخت روشن بر او تابید و راهش را روشن ساخت و به راه راستش روان داشت. برای رسیدن به مقصد به هر در زد و درها او را به آستان سلامت و سرای اقامت راندند. و به آرامشی که در بدنش پدید آمده بود، پاهایش در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار بماند. بدانچه دل خود را به کار واداشت و پروردگارش را خشنود ساخت.

مفهوم صراط مستقیم و نحوه رسیدن به آن

صراط مستقیم همان عبودیت الهی و ولایت مطلقه خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت است. پس آنچه که نقش آفرین است و این همه برکات بدنال می آورد راه های سلامت است. تا ما راه های سلامت را بدست نیاوریم و در آن جایگاه قرار نگیریم سلامت های فردی اجتماعی را شکل ندهیم نمی توانیم از ظلمتها بیرون بیابیم و به سمت نور حرکت کنیم و بالطبع نمی توانیم به راه مستقیم که همان عبودیت و ولایت است راه پیدا کنیم. لذا مجموعه دستورات دینی دعوت به سلامت است کانون کار بحث سلامت است.

^۱ همان، ۱۳۶۳.

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰.

باز تعریف سلامت اجتماعی

وقتی از سلامت اجتماعی یاد میکنیم یعنی سالم سازی همه کارهای فردی و اجتماعی در تمامی زمینه ها. از همین رو:

۱. اسم خداوند سلام است.
۲. جایگاه ابدی ما دارالسلام است.^۱
۳. اسم دین ما و مجموعه ادیان ابراهیمی اسلام است.
۴. تحیت ما سلام است.

قلمرو سلامت اجتماعی

۱. سلامت در هنگام تولد
۲. سلامت در هنگام مرگ
۳. سلامت در رستخیز

در مورد یحیی: وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۵) مریم
در مورد عیسی: وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (۳۳) مریم
يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹) شعراء

حوزه های سلامت اجتماعی

۱. سلامت دین و نفس
و تمنحنی السلامه فی دینی و نفسی.^۲
۲. سلامت قلب
ان شیعتنا من سلمت قلوبهم من کلّ غشّ و غلّ و دغل.^۳
لا علم کطلب السلامه ولا سلامه کسلامه القلب.^۴
لا یصدر عن القلب السلیم الا المعنی المستقیم.^۵

^۱ لذا خداوند متعال در آیه شریفه ۲۵ سوره یونس دعوت به دارالسلام میکند و بعد میفرماید یهدی الی صراط مستقیم یعنی دعوت گری به سلام و سلامت هدایت

به صراط مستقیم را بدنبال دارد. وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۵)

^۲ مفاتیح الجنان، دعای روز شنبه.

^۳ فرهنگ سخنان امام حسین، ص ۴۷۶.

^۴ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴.

^۵ غرر الحکم، ۸۹۴.

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ، فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ.^۱

سلامت خواهی از حقوق اجتماعی

و أما حق أهل ملتك عامة فاضمار السلامة

و اما حق همکیشان تو به طور عام این است که در دلب برایشان سلامت بخواهی

در ضمیر و نهان دل خود سلامتی و نیکیبختی آنها را خواهان باشی و بال و پر رحمت خود را برای آنها بگسترانی.

عوامل سلامت آفرین / مکانیزم ملی و عزم ملی

ثلاثُ خصالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّمَرَ بِهِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْتَهَى عَنْهُ وَحَافِظَ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ^۲

« سه خصلت است که در هر کسی باشد، دنیا و آخرتش سالم خواهد بود. کسی که امر به معروف کند، در حالی که خود پذیرای معروف باشد و نهی از منکر نماید، در حالی که خویشتن نیز از منکر کناره گیرد و حفظ حدود خدا کند.

عن إبراهيم بن مهزيار، عن جعفر بن بشير، عن سيف بن أبي عبد الله عليه السلام قال: ...من زهد في الدنيا أثبت الله الحكمة في قلبه وأطلق بها لسانه، وبصره عيوب الدنيا داءها ودواءها، وأخرجه الله من الدنيا سالماً إلى دار السلام^۳

عن الصادق عليه السلام قال: قال لي أبي: يا بني من يصحب صاحب السوء لا يسلم^۴

عنه عليه السلام: من لم يرغب في ثلاث ابتلى بثلاث: من لم يرغب في السلامة ابتلى بالخذلان.^۵

عنه عليه السلام: ثلاثة تقضى لهم بالسلامة إلى بلوغ غايتهم: المرأة إلى انقضاء حملها والملك إلى أن ينفد عمره، والغائب إلى حين إيباه.^۶

^۱ پس اگر برای ما آسودگی از کاری مقدر فرمودی، آن را آسودگی همراه با سلامت قرار بده که پیامدی برای ما نداشته و ملامتی از آن به ما نرسد. صحیفه سجادیه، دعای ۱۱.

^۲ نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص: ۲۰۶. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۴، ص: ۴۲۴. غررالحکم، ج ۵، ص ۴۴.

^۳ أمالی الطوسی ج ۲ ص ۳۳۲.

^۴ بحار الأنوار / جزء ۷۲ / صفحه [۹۰].

^۵ بحار الأنوار / جزء ۷۵ / صفحه [۲۳۲].

^۶ بحار الأنوار / جزء ۷۵ / صفحه [۲۳۴].

عنه عليه السلام: إن يسلم الناس من ثلاثة أشياء كانت سلامة شاملة: لسان السوء. ويد السوء. وفعل السوء.^١

عنه عليه السلام: ومن خاف العاقبة تثبت فيها لا يعلم، ومن هجم على أمر بغير علم جدد أنف نفسه (١٠)، ومن لم يعلم لم يفهم، ومن لم يفهم لم يسلم، ومن لم يسلم لم يكرم ومن لم يكرم تهضم، ومن تهضم كان ألوم (١١) ومن كان كذلك كان أحرى أن يندم^٢

جامعه شيعه يك جامعه سالم

١. قال رجل للحسين بن علي عليه السلام: يا بن رسول الله! أنا من شيعتكم. قال عليه السلام: أتق الله و لا تدعين شيئا، يقول الله لك: كذبت و فجرت في دعواك! ان شيعتنا من سلمت قلوبهم من كل غش و دغل^٣، و لكن قل: أنا من مواليكم و محبيكم.^٤ مردی به امام حسين(عليه السلام) گفت: من، شيعه شما هستم.

امام فرمود: تقوا داشته باش! چیزی نگو که خدا بگوید «دروغ گفتمی و در ادعایت، گمراهی به خرج دادی». شيعه ی ما، کسی است که قلبش از هرگونه شائبه و دغلکاری، پاک باشد. بنابراین، بگو: من، از دوستان و علاقه مندان شما هستم.

٢. قال رجل لعلي بن الحسين عليه السلام يا ابن رسول الله أنا من شيعتكم الخلف فقال له يا عبد الله فإذا أنت كإبراهيم الخليل على نبينا وآله و عليه السلام الذي قال الله و إن من شيعته لإبراهيم إذ جاء ربه بقلب سليم فإن كان قلبك كقلبه فأنت من شيعتنا و إن لم يكن قلبك كقلبه و هو ظاهر من الغش و الغل فأنت من محبينا و إلا فإنك إن عرفت أنك بقولك كاذب فيه إنك لمبتلى بفالج لا يفارقك إلى الموت أو جذام ليكون كفارة لكذبك هذا^٥

« شخصی به علی بن الحسین (ع) گفت من از شیعیان خالص مخلص شمایم حضرت فرمود اگر راست می گویی همانند حضرت ابراهیم دارای قلب سلیم و از شیعیان ما هستی و الا اگر در کارات شما غل غش وجود دارد از محبان ما هستید نه از شیعیان ما اما اگر ادعای شما دروغ باشد کفاره این دروغ شما اینست که تا دم مرگ دچار فلج یا بیماری جذام خواهید شد.

^١ بحار الأنوار / جزء ٧٥ / صفحة [٢٣٥]

^٢ بحار الأنوار / جزء ٧٥ / صفحة [٢٧٠]

^٣ الدغل: الفساد (الصحاح) ج ٤ صص ١٦٩٧ «دغل».

^٤ تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٠٦، التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام: ص ٣٠٩ ح ١٥٤، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٥٦ ح ١١.

^٥ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٥٦.

کار دین از دعوت به سلامت شروع و به هدایت به صراط مستقیم منتهی میشود. پس کانون و پایه کار همان سلامت ورزی

کار دین از دعوت به سلامت شروع و به هدایت به صراط مستقیم منتهی می شود. پس کانون و پایه کار همان سلامت ورزی و پیمودن راه های سلامت است.

و پیمودن راه های سلامت است. در مسیر سلامت راه هایی است لذا فرمود: سبب السلام یعنی تمامی راه های سلامت. این حکایت از آن دارد که یک سلامت نداریم بلکه چیزی که هست مجموعه سلامت هاست و همه ساحت های زندگی انسان باید از نشان سلامت برخوردار باشد. راه های سلامت را باید بدست آورد نه راه سلامت

را. پس سلامت اجتماعی مجموعه زندگی ما را پوشش می دهد. وقتی مجموعه زندگی ما از سلامت برخوردار شد موجب می شود توان حرکت و پای سالم پیدا کنیم و بتوانیم مجموعه ظلمت ها را درنوردهیم و بسمت نور حرکت کنیم و در نتیجه هدایت شویم و بسمت عبودیت و ولایت حرکت کنیم.

میزان تأثیر سلامت در ولایت مداری / اسلام پذیری / شرافت

عن النضر، عن الحسن بن موسى وابن رناب، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام

قال: قال: أصل المرء دينه، وحسبه خلقه، وكرمه تقواه، وإن الناس من آدم شرع سواء.

- ين: عن النضر، عن ابن رناب، عن زرارة قال: قلت لابي جعفر عليه السلام الناس يروون

عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: أشرفكم في الجاهلية أشرفكم في الاسلام

فقال عليه السلام: صدقوا وليس حيث تذهبون كان أشرفهم في الجاهلية أسخاهم نفسا وأحسنهم خلقا، وأحسنهم جوارا، وأكفهم أذى، فذلك الذي إذا أسلم لم يزد إسلامه إلا خيرا.¹

الاخلاق للكوفي: قيل لابي جعفر محمد بن علي بن الحسين الباقر (ع): ان الناس يروون عن رسول الله (ص): أشرفكم في الجاهلية أشرفكم في الاسلام، فقال: صدقوا وليس حيث يذهبون، كان أشرفهم في الجاهلية أسخاهم نفسا، وأحسنهم خلقا، واحفظهم جوارا، و أكفهم أذى، فاولئك الذين لما اسلموا لم يزدهم الاسلام الا خيرا.²

¹ بحار الأنوار / جزء ٧٠ / صفحة [٢٩٤].

² مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٥١

چهار راهبرد قرآنی برای سالم سازی قلب

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (٥٧) یونس

هان ای مردم! از ناحیه پروردگارتان موعظتی و شفای قلبی و هدایتی برای عموم بشر و رحمتی برای خصوص مؤمنین بیامد (٥٧)

راغب در کتاب مفرداتش گفته: ماده (وعظ) به معنای بازداشتن و منع کردن کسی است از کاری همراه با ترسانیدن. و نیز گفته است که خلیل گفته: وعظ به معنای تذکر دادن است به انجام عملی خیر، به بیانی که دل شنونده را برای پذیرفتن آن تذکر نرم کند. و کلمه (عظ) و همچنین کلمه (موعظه) هر دو اسم مصدرند و کلمه (صدر: سینه) معنایش معروف است و چون مردم می بینند که جای قلب داخل قفسه سینه است و از سوی دیگر معتقدند که آدمی هر چه میفهمد به وسیله قلبش احساس میکند، و با همین عضو است که امور را تعقل نموده یکی را محبوب می دارد و یکی دیگر را مبغوض، یکی را دوست می دارد و از دیگر کراهت دارد، به چیزی و یا کسی اشتیاق میورزد و به چیزی امیدوار و آرزومند می شود از این رو سینه را مرکز اسرار قلب و صفات روحی دانسته و آن را خزینه فضائل و ردائل شمرده اند. فضائل را اثر سلامتی قلب و استقامت آن دانسته، و ردائل را بیماری آن و ردالت را درد و مرض شمرده اند، و لذا میگویند: من سینه ام را مثلاً با گرفتن انتقام از فلانی شفا دادم، پس (شفا الصدور) و همچنین شفاء آنچه در سینه ها است دو تعبیر کنائی است، و کنایه است از اینکه آن حالت بد و خبیث روحی که داشتیم و مرا به سوی شقاوت و بدبختی سوق میداد و عیش خوش مرا مکدر می ساخت، و خیر دنیا و آخرت مرا از بین می برد، از بین رفت و زائل گردید.

و کلمه (هدی) به معنای راهنمایی به سوی مطلوب است، اما نه به هر نحو که صورت بگیرد، بلکه - بطوری که راغب گفته -: (راهنمایی به لطف و نرمی است) و ما در تفهیم آیه شریفه (فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام) در جلد هفتم این کتاب بحثی در این باره ایراد کردیم.

اشاره به معنای (رحمان) و (رحیم) و مراد از اینکه قرآن برای مؤمنین رحمت است و کلمه (رحمت) به معنای تاءثر قلب است اما نه هر تاءثری بلکه تاءثر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می دهد و آدمی را وا می دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید، ولی وقتی این کلمه به خدای تعالی که اجل از داشتن قلب است نسبت داده شود، دیگر به معنای تاءثر قلبی نیست، بلکه به معنای نتیجه آن تاءثر است، نتیجه تاءثر در ما آدمیان این بود که در مقام جبران نقص طرف برآئیم، رحمت خدای تعالی نیز به همین معنا است. پس اینکه میگوئیم خدا رحیم است، معنایش این است که نقص بنده را جبران نموده حاجتش را برآورده و بیماریش را شفا می دهد، و در یک عبارت جامع: (رحمت خدا منطبق است به اعطای او و افاضه وجود بر خلش).

عبارت تفسیر نمونهدر واقع آیه فوق چهار مرحله از مراحل تربیت و تکامل انسان را در سایه قرآن شرح می دهد.

مرحله اول مرحله (موعظه و اندرز) است.

مرحله دوم مرحله پاکسازی روح انسان از انواع رذائل اخلاقی است .

مرحله سوم مرحله هدایت است که پس از پاکسازی انجام می گیرد.

و مرحله چهارم مرحله ای است که انسان لیاقت آن را پیدا کرده است که مشمول رحمت و نعمت پروردگار شود و هر یک از این مراحل به دنبال دیگری قرار دارد و جالب اینکه تمام آنها در پرتو قرآن انجام می گیرد. قرآن است که انسانها را اندرز می دهد، و قرآن است که زنگار گناه و صفات زشت را از قلب آنها می شوید، و قرآن است که نور هدایت را به دلها می تاباند، و نیز قرآن است که نعمتهای الهی را بر فرد و جامعه نازل می گرداند.

علی (علیهالسلام) در گفتار جامع خود در نهج البلاغه با رساترین تعبیری این حقیقت را توضیح داده است آنجا که می فرماید:

... فاستشفوه من ادواکم و استعینوا به علی لاوائکم فان فیہ شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال : (از قرآن برای بیماریهای خود شفا بطلبید، و به آن برای حل مشکلاتتان استعانت بجوئید، چه اینکه در قرآن شفای بزرگترین دردها است که آن درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است).^۱

دعوت دین به نهضت جهانی سلامت اجتماعی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۰۸) بقره

ای ایمان آورندگان همگی در سلامت و صلح و انقیاد و اطاعت داخل شوید.^۲

این آیه همگان را به نهضت جهانی سلامت اجتماعی دعوت کرده است. نهضتی که مسیر حرکت به سمت عبودیت است.

در همین راستا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

الاخبرکم بخیر اخلاق الدنيا و الآخرة قالوا بلی.

آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه نکنم؟ گفتند: بلی

فرمود: علیکم بافشاء السلام فی العالم.^۳

بر شما باد به طنین اندازی سلام و سلامت در سطح جهانی فی العالم

^۱ تفسیر نمونه، جلد ۸، صص ۳۱۸-۳۱۹.

^۲ راغب می گوید: کلمه (سلم) و (سلامت) به معنای دور بودن از آفات ظاهری و باطنی است. علامه طباطبایی نیز با بیان مطلب وی آن را تلقی به قبول کرده است. رک: مفردات راغب، ذیل واژه سلم و تفسیر المیزان، ذیل آیه یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم. آیات ۸۸ - ۸۹ شعرا.

^۳ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۲.

عبارت «افشاء السلام فی العالم» نشان می دهد افق این بحث را باید در سطح جهانی تعریف کرد و برای اینکه این نهضت جهانی تقویت شود باید به بعد سلبی آن هم توجه کنیم. چرا که ما یک دشمن جدی داریم که نمی خواهد سلامت اجتماعی در سطح جهانی توسعه پیدا کند.

تقابل شیطان با نهضت جهانی سلامت اجتماعی

سلامت، امر و دستور خداوند متعال است و خداوند متعال، مردم را به سلامت دعوت می کند ولی از طرف دیگر شیطان مردم را به ناسالمی دعوت می کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۲۱) نور

ای مؤمنان! دنبال گام های شیطان مروید و هر کس از گامهای شیطان تبعیت کند [بداند که] او به زشتی و بدی امر می کند.

وقتی انسان سالم شد می تواند به سمت حق و حقیقت حرکت کند ولی انسان ناسالم و فاسد مثل یک معتاد نمی تواند به سمت حقیقت حرکت کند بنابر این به سمت باطل و پلیدیها حرکت خواهد کرد. خوبی ها و زشتی ها هم اموری مشکند پس هر کسی به میزانی که از سلامت برخوردار است به همان میزان می تواند به سمت حقیقت حرکت کند و به میزانی که ناسالم است از حرکت بسمت حق و حقیقت و خوبی محروم است. به تعبیر دیگر ما به میزان سلامتی توان حرکت بسمت خوبی ها را داریم و به میزان ناسالمی از خوبی ها محرومیم.

از این رو ما باید نهضت سلامت اجتماعی را به عنوان یک گفتمان اساسی در جهان بلند بکنیم و با این رویکرد بر شیطان و ابلیس بتازیم و مقدمات سالم سازی مسیر عبودیت و ولایت را فراهم کنیم. سلامت اجتماعی بعد ایجابی کار ما است. یک بعد سلبی هم داریم یعنی در واقع حرکت بسمت خوبی ها یک بعد ایجابی دارد و یک بعد سلبی یعنی یک تولی داریم و یک تبری. ایمان هم همینطور است.

قال الصادق عليه السلام وقد سئل عن الإيمان: هل الإيمان إلا الحب والبغض؟

امام صادق علیه السلام در حالی که از ایمان پرسیده شده بود فرمود: آیا ایمان چیزی جز دو ست داشتن و دشمن داشتن است؟

حرکت همیشه در واقع یک امر دوحیثی است و یک حیث ایجابی و یک حیث سلبی دارد. مانند حب و بغض و یا تولی و تبری. در بحث سلامت اجتماعی، حیث ایجابی در واقع همان نهضت جهانی سلامت اجتماعی است و حیث سلبی نهضت جهانی بر علیه ابلیس است. یعنی نهضت جهانی دیگری بر علیه ابلیس باید داشته باشیم. لذا آیه شریفه «یا ایها الدین آمنوا ادخلو فی السلم کافه» در ادامه می فرماید:

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

(۲۰۸) بقره

حرکت همیسه در واقع یک امر دو حیثی است و یک حیث ایجابی و یک حیث سلبی دارد. مانند حب و بغض و یا تولی و تبری. در بحث سلامت اجتماعی، حیث ایجابی در واقع همان نهضت جهانی سلامت اجتماعی است و حیث سلبی نهضت جهانی بر علیه ابلیس است.

تبعیت نکنید خطوات و جا پاهای شیطان را. او دشمن آشکار شماست.

شیطان آشکارا دنبال اینست که سلامت فردی و اجتماعی را مختل کند. او می داند که جامعه ناسالم نمی تواند از ظلمت ها بیرون رفته و به طرف نور و حقیقت حرکت کند

و در نتیجه نمی تواند به عبودیت و ولایت برسد. پای ناسالم توان حرکت ندارد لذا فرمول کار شیطان این است که جامعه را ناسالم کند. بنابر این راهبرد سالم سازی، زمینه ساز ولایت پذیری رحمانی است و راهبرد ناسالم سازی بستر ساز ولایت پذیری شیطانی است.

مرض قلبی کانون جنگ نرم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)
فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۲) وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵) وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶)^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصارا را [تکیه گاه و] دوستان خود نگیرید آنها دوستان و هوادار یکدیگرند و هر که از شما آنها را به دوستی گیرد از آنهاست. همانا خداوند ظالمان را هدایت نمی کند.

و لیکن بیمار دلان را می بینی که در [دوستی] آنها می شتابند و می گویند: می ترسیم حادثه بدی برای ما پیش آید [و به کمک آنها نیازمند شویم]. ولی شاید خدا پیروزی یا حادثه دیگری از جانب خود [برای مسلمین] پیش آورد و این دسته از آنچه در دل نهان داشتند پشیمان گردند

^۱ مانده (۵)، صص ۵۱-۵۶.

و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: آیا این [منافقان] بودند که با تأکید به خدا قسم می خوردند که واقعا با شما هستند؟ [آری] اعمال آنها تباه شد و زیانکار گردیدند

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دینش بازگردد چه باک، زودا که خدا مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند در برابر مؤمنان فروتنند و در برابر کافران سرکش، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسند این فضل خداست که به هر کس که خواهد از زانی دارد، و خداوند بخشاینده و داناست

جز این نیست که سرپرست و ولی امر شما خدا و فرستاده اوست و کسانی که ایمان آورده اند، آنها که نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند زکات می دهند. (م صدق منحصر به فرد این عموم طبق روایات فریقین علی علیه السلام و بخشدن انگ شتری او در حال رکوع است)

و هر که ولایت خدا و رسول او و کسانی را که ایمان آورده اند بپذیرد [از حزب خداست]، و بی تردید حزب خدا پیروزند.

وَبَلِّغْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱) الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ (۱۲) وَمَا يُكْذَبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۳) إِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) مطففين

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان آنان که روز جزا را دروغ می پندارند (۱۱) و جز هر تجاوز پیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی گیرد (۱۲) همان که [چون آیات ما بر او خوانده شود گوید] اینها [افسانه های پیشینیان است] (۱۳) نه چنین است بلکه آنچه مرتکب می شدند زنگار بر دلهاشان بسته است (۱۴)

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵) توبه

ولی کسانی که در دلشان بیماری است، بر پلیدیشان پلیدی افزود و در حال کفر مردند.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰) روم

سپس عاقبت کسانی که کارهای زشت انجام دادند این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را مسخره می کردند

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳) یونس

این گونه سخن (قاطع) پروردگارت درباره کسانی که نافرمانی کردند ثابت و محقق شد که آنان ایمان نخواهند آورد

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰) یونس

و از آنان برخی به آن ایمان می آورند و برخی ایمان نمی آورند، (اینان مفسدند) و پروردگارت تو به مفسدان داناتر است

رابطه فسق (عدم سلامت) با کفر و عدم ایمان

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹) بقره

و حقیقت این است که ما به سوی تو آیاتی روشن و روشنگر فرو فرستادیم، و به آنها جز فاسقان کفر نمی‌ورزند.

فرایند ناسالم سازی جامعه توسط شیاطین

جامع اگر پوک و بی هویت نشود منقاد ابلیس نمی‌شود و اطاعت او را نمی‌پذیرد. لذا فرعون بعنوان یک شیطان انسی و دست پرورده ابلیس دنبال بی هویت سازی قومش بود.

فَاسْتَخَفَّ^۱ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴) زخرف

شیطان قومش را خوار و خفیف کرد پس آنها مطیع او شدند. همانا آنان مدام فسق می‌ورزیدند.

حال سخن این است که مکانیزم بی هویت کردن و بی محتوا سازی یک جامعه فرایند ناسالم سازی جامعه توسط شیطان چیست؟ چگونه یک جامعه بی هویت میشود؟ بسترها و زمینه‌های بی هویتی و بی

۱. فسق اجتماعی

شخصیت سازی جامعه چیست؟ قرآن میفرماید:

۲. استخفاف اجتماعی

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴) زخرف

۳. اطاعت اجتماعی

فسق و فساد در آنها نهادینه شده بود.

وقتی فسق و فساد در انسان نهادینه شد از مرکز و کانون خود که همان فطرت توحیدی است بیرون زده و بی هویت و بی شخصیت می‌شود.^۳ پس بستر بی هویت سازی، فسق و فجور و گناه و معصیت است لذا شیاطین همیشه دنبال این بودند که فسق و فجور را در جامعه توسعه و تعمیق دهند و جامعه را بی شخصیت کرده و به استخفاف بکشند و در نتیجه آنها را مطیع خود سازند.

نمونه تاریخی ناسالم سازی شیطان

خلفای جور در طول تاریخ فسق و فجور را در جامعه نهادینه کردند تا امیر المومنین^۷ و اولاد ایشان نتوانند در جامعه حاکمیت پیدا کنند. چرا که اگر جامعه ای فاسد شد علی^۷ هم نمی‌تواند بر آن حاکمیت پیدا کند و در سرما و گرما به

^۱ استخفاف یعنی خفیف و پست و خوار و .. کردن. رک: مفردات راغب، ذیل ماده خف.

^۲ فعل کان قبل از هر فعلی دلالت بر استمرار آن می‌کند.

^۳ از دیدگاه روانشناسی انسانها دو زبان دارند یک زبان غریزی و یک زبان فطری و کشش‌هایی در انسان است که با زبان غریزی انسان را خطاب قرار می‌دهد و حوزه‌های غریزی او را تحریک می‌کند و زبان فطری او را به حاشیه می‌راند.

بهبانۀ های مختلف از دستورات او سرپیچی می کند. لذا امیر مؤمنان علی ۷ سلوک طریق سلامت را با اطاعت از هادی و ولیّ امر ملازم دانسته و می فرماید.

طوبی لمن سلک طریق السلامة ببصر من بصره و طاعة هاد أمره.^۱

خوشا به حال کسی که طریق سلامت را با بصیرت که از صاحبان بصیرت می گیرد و اطاعتی که نسبت به هادی و ولیّ امر دارد می پیماید.

در همین راستا امام حسین علیه السلام در خطبه ای در روز عاشورا علت عدم تمکین کوفیان به سخنان خود را و وضعیت ناسالم آنان عنوان کرده و می فرماید:

امام حسین علیه السلام در خطبه ای در روز عاشورا
علت عدم تمکین کوفیان به سخنان خود را
وضعیت ناسالم آنان عنوان می کند.

کلکم عاص لامری غیر مستمع قولی، فقد ملئت بطونکم
من الحرام^۲
شما همگی بر من طغیان کرده و به سخنانم گوش نمی
دهید چرا که شکمهایتان از حرام پر شده است.

شیطان این فرآیند اجتماعی را به ولایت پذیران خودش فهمانده و آنها از روی فهم جامعه را فاسد می کنند تا خوبان و پاکان نتوانند حاکم شوند. به عنوان یک مثال واضح، فرد ناسالم (مثل یک معتاد) حرف حق را نمی پذیرد چرا که او برای ارضای شهوت خود، نیاز به پول و ثروت و قدرت دارد و هیچ نصیحتی در غلبان هوس او، جلودارش نخواهد بود.

راهبرد کلیدی برای مقابله با شیطان

قرآن کریم پیوسته شیطان را به عنوان دشمن اصلی انسانها معرفی کرده و مردم را به اتخاذ عداوت با شیطان دعوت می کند و از اتخاذ ولایت او که خسران مبین را در پی دارد بر حذر می دارد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (۶) فاطر

همانا شیطان برای شما دشمن است. پس او را دشمن بدارید.

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا نَبِيًّا (۱۱۹) نساء

و کسی که شیطان را ولیّ خود قرار دهد به تحقیق زیان روشنی خواهد کرد.

امام سجاد در دعای هفده صحیفه هنگام بحث از شیطان، به یک راهبرد بسیار کلیدی اشاره می فرماید:

^۱ غرر الحکم، روایت ۱۶۵۲.

^۲ العوالم، ص ۲۷۰.

وبصرنا ما تكائده به^۱

خدایا به ما بصیرتی بده که بر علیه شیطان کید کنیم.

در ابتدای امر تصور می شود که ما توان کید بر علیه شیطان و به دام انداختن او را نداریم. ولی امام سجّاد ۷ با طرح این افق بزرگ، این تصوّر موهوم را برهم می زند و در فرازهای بعدی به صورت بسیار لطیف حوزه های مختلف این راهبرد را طراحی می کند و می فرماید:

اللهم اجعلنا فی نظم أعدائه^۲

خداوندا به ما آرایشی بده که در آن بر علیه شیطان دشمنی کنیم.

و در فراز بعدی می فرماید:

نأمر بمناوآته من أطاع أمرنا^۳

[وقتی آن آرایش را بر علیه شیطان طراحی کردیم] با اقتدار دستور حمله سربازان مطیع خود را به شیطان صادر کنیم.

ما در سراسر جهان مخاطبانی داریم که از تفکر ما پیروی می کنند و می توانیم این مدل و گفتمان را به صورتی مطرح کنیم که نظم و آرایش حمله را بر علیه شیطان طراحی کرده و بر او هجوم بریم. کما اینکه امیرالمؤمنین در تبیین راهبرد مذکور فرموده اند:

فَأَصْبَحَ أَعْظَمَ فِي دِينِكُمْ حَرَجًا، وَأُورِي فِي دُنْيَاكُمْ قَدْحًا، مِنْ الَّذِينَ أَصْبَحْتُمْ لَهُمْ مُنَاصِبِينَ، وَعَلَيْهِمْ مُتَأَلِّبِينَ فَاجْعَلُوا عَلَيْهِ حَدَّكُمْ، وَ لَهُ جِدَّكُمْ^۴

شیطان بیش از کسانی که آشکارا با آنان دشمنی می ورزید و برای جنگ با آنان جمع می شوید بر پیکر دین شما زخم می زند و برای فساد دنیایان آتش می افروزد پس خشم و نیروی خود را برای نبرد با او به کار گیرید و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

^۱ صحیفه سجّادیه، دعای ۱۷.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

گفتمان های مذکور (نهضت جهانی سلامت اجتماعی و نهضت جهانی علیه ابلیس)، گفتمان اساسی در موضوع مهدویت است.^۱ جامعه ای می تواند جامعه مهبیای ظهور باشد که ضرورت این دو نهضت را درک کرده باشد و به سمت سلامت حرکت کند. قرآن می فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵) انبیاء

در نظام حتمی و قطعی خداوند آنهایی که عبودیت الهی را پذیرفتند و جامعه اسلامی را راه اندازی کردند روزی وارثان زمین می شود

بر اساس این آیه فرهنگ مهدویت و رسیدن به آرمانشهر ظهور سه محور دارد:

۱. عبادی: یعنی جامعه ای که بر اساس عبودیت الهی حرکت می کند.
۲. صالحون: جامعه صالحان و سالمان باید راه اندازی شود.
۳. وارثون: جامعه ای که در مسیر عبودیت حرکت کند و صالح و سالم باشد میتواند وارث زمین شود. و جامعه ای که سالم و صالح نیست هیچوقت نمی تواند وارث زمین شود.

مدل استراتژیک سلامت اجتماعی

در آیه شریفه یک مدل لطیف طراحی شده و آن اینکه فقط جامعه سالم می تواند حاکمیت سالم را تحمل کند. جامعه ناسالم تن به حاکمیت سالم نمی دهد. لذا شیطان و اتباع او برای اینکه نگذارند حاکمیت سالم ایجاد بشود، در بوق ناسالم

سازی جامعه می دمند. اگر الان می بینیم استکبار از طریق رسانه ها فساد فقط جامعه سالم می تواند حاکمیت سالم را تحمل کند. را یکپارچه سازی می کند و در همه خانه ها نفوذ کرده به دلیل وحشتی

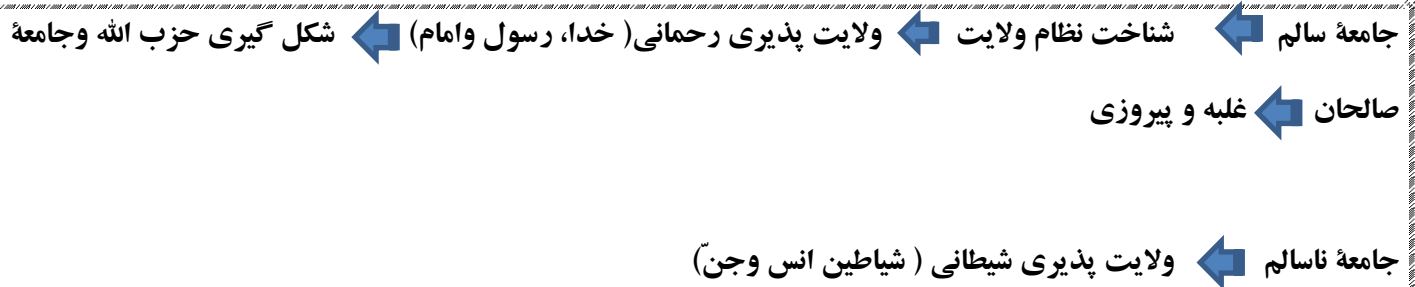
است که از شکل گیری جامعه سالم و حاکمیت صالحان بر زمین دارد.

شواهد تاریخی نشان می دهد که شیطان های انسی و جنی با راهبرد ناسالم سازی به دنبال تثبیت ولایت و عبودیت خودشان بوده و از همین طریق مانع تحقق ولایت پذیری رحمانی شده اند. چرا که سلامت اجتماعی راه شیاطین را برای رسیدن این هدف پلید سد کرده و زمینه های ولایت پذیری الله، رسول^۹ و ائمه^۷ را فراهم می کند و با تحقق حزب الله، جبهه حق را به پیروزی و غلبه موعود می رساند. چنان که قرآن می فرماید:

^۱ گفتیم دو گفتمان اساسی را باید در سطح جهانی مطرح کنیم بحث نهضت جهانی سلامت اجتماعی از حیث ایجابی و نهضت جهانی بر علیه ابلیس و شیطان از حیث سلبی. این دو تا باید با هم حرکت بکنند. اگر این دو حرکت را شروع کنیم بنظر میرسد مخاطبان جدی در جهان پیدا خواهیم کرد.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵) وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶) مائده

در این آیات ابتدا سخن از نظام ولایت است که منحصر در سه محور الله، رسول و ائمه ۹ است. پس از آن سخن از ولایت پذیری از این نظام ولایت است و در نهایت بخشی از آثار نظام ولایت بیان می شود. شناخت نظام ولایت اگر همراه با پذیرش ولایت و حاکمیت الله، رسول و ائمه ۹ با شد حزب الله و جامعه صالحان را شکل می دهد و با شکل گیری آن، دست یابی به پیروزی حتمی خواهد بود.



جمع بندی

بیان نظریه راهبردی «سلامت اجتماعی زبان متفاهم اجتماعی»

از آنجا که سلامت اجتماعی، زبان تفاهم اجتماعی را به همراه دارد، می توان با رویکرد سلامت ورزی، هر آنچه که ساختار سالم جامعه را به چالش می کشاند به مقابله پرداخت و از روند ناسالم سازی جامعه پیش گیری کرد و این نیازمند دو جریان نظام فرهنگ سازی سلامت ورزی و نظام اجرایی همراه با اقتدار نرم است.

نظام فرهنگ سازی سلامت ورزی

سلامت ورزی دغدغه و مطلوب همگان است و با فرایند شناخت و یادآوری و التفات اجتماعی می توان لایه های غفلت اجتماعی را زدوده و توجه همگان را به آن معطوف ساخت و مردم را با هر آنچه که در ساختار سلامت اجتماعی اختلال

^۱ ولایت فقیه هم تابع نظام ولایت است که در عصر غیبت مطرح می شود.

می آفریند آشنا و درگیر نمود و راهبرد « خوض الناس فی الشیء مقدمة الكائن^۱ » را به جریان انداخت. در این صورت است که آستانه حساسیت اجتماعی به درجه ای می رسد که در حد مطالبات جدی اجتماعی خواهد بود.

در این صورت است که نه تنها با مقاومت در مقابل تغییر مواجه نمی شویم بلکه با همدلی، همراهی، و همکاری اجتماعی روبرو خواهیم بود. برای نمونه می توان از ناهنجاری پوششی گفتگو کرد؛ وقتی بتوانیم نسبت آن را با بقیه حوزه های سلامت اجتماعی تبیین کنیم و نشان بدهیم که ناهنجاری پوششی چگونه می تواند در نرخ رشد اعتیاد و مصرف مواد مخدر و روان گردان و نیز در فروپاشی خانواده ها و افت تحصیلی فرزندان و قتل و جنایت و... مؤثر باشد در این صورت است که ناهنجاری پوششی از حد یک پز و پرستیژ اجتماعی و تشخیص نمایی، در حد بزهکاریهایی همچون قاچاق مواد مخدر و یک جرم فاحش اجتماعی تنزل می یابد و از موضع فعال اثرگذار سقوط کرده و در موضع انفعالی و حاشیه ای عقب نشینی خواهد کرد. خصوصاً آنگاه که تمامی نهادهای اجتماعی به تناسب جایگاه خود بتوانند زبان سلامت اجتماعی خود را در این موضوع به خوبی تبیین و تدوین و ارائه کنند و در فراگیر سازی دغدغه سلامت و رزی نقش آفرین باشند. دیگر آسیب ها و معضله های اجتماعی نیز چونان ناهنجاری پوششی هستند که باید بر اساس اولویت ها تنظیم و پرداخته شوند.

در این صورت است که ما از پتانسیل و ظرفیت های نهفته مردمی بهره مند خواهیم شد و سرمایه اجتماعی به مثابه پشتیبان مناسبی برای پیش گیری از آسیبهای اجتماعی به جریان خواهد افتاد.

در واقع زبان سلامت اجتماعی، ظرفیت سرمایه اجتماعی را به جریان می اندازد و آن را در پیشگیری از آسیب ها و جرم ها یاری کرده و در مسیر پیشرفت اجتماعی به موضعی کارآمد و اثربخش می کشاند.

نظام اجرایی سلامت اجتماعی

پس از جریان فرهنگ سازی و برانگیخته شدن ظرفیت های نهفته اجتماعی، می توانیم از اقتدار نرم برای مقابله با مجرمان و اختلال آفرینان ساختارهای سلامت اجتماعی استفاده کنیم. چراکه:

۱. همدلی و همراهی مردم مقاومت در برابر تغییر را از بین می برد.
۲. آسیب های اجتماعی به عنوان منکرات، شناخته شده و از بین بردن آنها در رأس مطالبات مردم قرار می گیرد.
۳. فرهنگ سلامت و رزی به مثابه زبان قانون، نقش آفرینی می کند و از اقتدار نرم برخوردار است.

^۱ غررالحمک، ۱۱۰۴۲.

۴. اقتدار نرم از پشتوانه ادبیات سلامت اجتماعی برخوردار است و به رغم اینکه به صورت غیر مستقیم پیامهای دینی را منتقل می کند مشکل دین گریزی حاصل از پیام رسانی مستقیم دینی را ایجاد نمی کند.
۵. این ادبیات عموم مخاطبین اعم از متدینین و غیر آنها را دربر می گیرد و مجاب می کند.
۶. زبان سلامت ورزی به جهت مبتنی بودن بر راهبرد «کلم الناس علی قدر عقولهم»^۱ از ظرفیت بالای ارتباط گیری و دغدغه آفرینی مردم برخوردار است و زمینه های نظام اجرایی همراه با اقتدار نرم را فراهم می سازد.^۲

^۱ کلم الناس علی قدر عقولهم اقتباس من حدیث رسول الله ۹: إنا معاشر الانبیاء امرنا أن نكلم الناس علی قدر عقولهم.، أصول الكافی ۱، ص ۱۵.

^۲ از امام رضا ۷ روایت شده که فرمود:

إن الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا

اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند از ما پیروی خواهند کرد.

ادبیات سلامت اجتماعی می تواند یکی از بهترین راهها برای رساندن محاسن کلام ائمه به مردم باشد.

الف) آیات سلامت

۱. سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴) رعد
۲. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹) شعراء
۳. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱) ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ (۸۲) وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ (۸۳) إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴) صافات
۴. وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳) ابراهيم
۵. الَّذِينَ تَتَوَقَّأَهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲) نحل
۶. سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (۵۸) يس
۷. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹) صافات
۸. وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى (۴۷) طه
۹.

ب) روایات سلامت

۱. السلام تحية لملتنا، وأمان لدمتنا.^۱
۲. و اجعل القرآن وسيلة لنا إلى أشرف منازل الكرامة و سلما نخرج فيه إلى محل السلامة^۲
۳. إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين، و زهده في الدنيا، و بصره بعيوب نفسه. يا أبا ذر، ما زهد عبد في الدنيا إلا أثبت الله الحكمة في قلبه، و أنطق بها لسانه، و بصره بعيوب الدنيا و داءها و دواءها، و أخرجها منها سالما إلى دار السلام.^۳

^۱ بحار الأنوار، جلد ۷۳، ص ۱۲

^۲ صحيفه سجاده دعای ۴۲

^۳ امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۰۸.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه سجّادیه
۴. غررالحکم
۵. اصول کافی
۶. بحار الانوار
۷. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام
۸. العوالم
۹. امالی شیخ طوسی
۱۰. شرح ملا صالح مازندرانی بر اصول کافی